

و در جریان این سناریو بود. نکته بعدی این بود که حدوداً پنج الی ۱۰ دقیقه قبل از انفجار، موتورهای پلیس و پلیس‌هایی که بنا بود امنیت تظاهرات در ده‌م‌زنگ را تأمین کنند، همگی در یک لحظه صحنه را ترک کردند. بعداً شواهد دیگری به دست ما آمده که کسی که عامل انفجار میدان ده‌م‌زنگ بود قبلاً در زندان استخبارات دستگیر شده بود، و بعد به خانه تیمی امنیت انتقال پیدا کرده بود و بعد به این صحنه فرستاده شده بود. ما تمام اینها را مکتوب کردیم به دادگاه بین‌المللی لاهه و مجامع بین‌المللی سپردیم ولی متأسفانه از آن جایی که حکومت یک حکومت دست نشانده بود و هیچ ربطی به مردم افغانستان نداشت، فقط با سکوت با این موضوع برخورد کردند.

یعنی دولت گذشته بویژه شخص اشرف غنی از هیچ جنایتی حتی علیه مردمان خودش برای اینکه این حکومتش را و چهارچوب فکری و قومی‌اش را حفظ کند، دریغ نمی‌کرد؟

اصلاً آقای غنی به موضوع قوم خودش هم فکر نمی‌کرد. آقای غنی یک فردی بود که کاملاً یک ساختار دیکتاتور شکل به وجود آورده بود. در برابر کارمندا و پرسنل سفارت امریکا بسیار ضعیف بود و ترسو، خطرات متعدد داریم که مثلاً باید رئیس جمهور یک کشور می‌آمد تا برود به استقبالش، این به استقبال یک سکرتر سوم سفارت امریکا می‌رفت و او می‌آمد برایش خط مشی تعیین می‌کرد. شما اگر دقت کنید بیشتر تلفات نیروی امنیتی ما در یکی دو سال اخیر حکومت آقای غنی بود. آقای غنی پروژه صلح را به خاطر تداوم حکومت خودش تخریب کرد که بتواند چند ماهی یا چند روزی یا چند هفته‌ای بیشتر حکومت خود را دوام بدهد. در یک مقطع زمانی چند ماهه نزدیک ۴۰ هزار نفر فقط نیروهای دولتی تلفات داشت، ۴۰ هزار نفر که این را خود آقای غنی اعلام کرد؛ در حالی که اگر آقای غنی زودتر به پروژه صلح تن می‌داد، ما یقیناً با شرایط متفاوت‌تر سیاسی مواجه بودیم و حداقل سی، چهل، پنجاه هزار نفر از نیروهای امنیتی و طالبان تلفات نداشتیم. یعنی برای آقای غنی به اندازه سرسوزن اهمیت نداشت که چقدر فرزندان این سرزمین قربانی می‌شوند. آقای غنی واضح به من گفت که رأی مردم افغانستان برای من هیچ اهمیتی ندارد. آن کشوری که من را آورده، اگر فقط رأی خود من هم باشد، من را در نهایت رئیس جمهور این سرزمین می‌گذارد. مطمئن باش اگر این دوره رئیس جمهور نشدم، دوره بعد رئیس جمهور می‌شوم. در انتخابات ۲۰۰۹ ایشان یک درصد رأی آورد بعد با حمایت دولت امریکا رئیس کمیسیون انتقال مسئولیت‌های امنیتی شد، یعنی در ۳۴ ولایت با پروتکل و تشریفات در حد رئیس جمهور سفر و برنامه‌های سیاسی را اجرا می‌کرد؛ یعنی عملاً کمپین ایشان از ۲۰۰۹ شروع شد تا ۲۰۱۴ که سفارت امریکا و حضور دکتر خلیل‌زاد در مراسم تحلیف‌شان عملاً واضح کرد که این شخص نیازی به رأی مردم و تشخیص مردم و انتخاب مردم افغانستان ندارد، توسط ایالات متحده امریکا گماشته شد و به هیچ کس هم پاسخگو نبود.

البته سرعت فراراش هم به حدی بود که در افغانستان ضرب‌المثل شد: کفش‌هایش را نپوشید و فرار کرد! از روزهای سقوط دولت جمهوریت و خروج نیروهای ائتلاف ویژه امریکا برای ما بگویید.

من یادم است سه ماه مانده بود به سقوط حکومت آقای غنی، یک روزی همین طور با آقای کرزی در دفترشان نشسته بودیم. در آنجا من برای آقای کرزی شاید تقریباً به تفاوت دو سه روز پیش‌بینی